

«لهستی بخش»

۱۵-۱۷ / خاطر نیاز ذاتی مخلوقات در لهستی و قوامی خود بر خدا و استقلال ذاتی خداوند از مخلوقات

۱۵ / نور خداوند نور لهستی

- هر یک از ما با تمام وجود خود را برای بالیم و حفظ نفس را در لهستی کنیم. قرآن کریم ما را به معرفت حقین تر در این باره دعوت می کند و راه های متفاوتی را

بر ما نشان می دهد. یکی از این راه خدا توجه به نیاز مندی جهان و در لیاقتش خود را بر خدا است.

... مقدمه اولی: پدیده بودن جهان و در خود قلی نبودن آن - هرگاه به خود نظری کنیم درمی یابیم که پدیده ای که مستند به وجود لهستی ما از خود ما نیست.

انسان و موجودات جهان پدیده هایی اند که در وجود در خود نشان قلی نیستند.

مقدمه دوم: هلاک نیاز مندی جهان به علت - که پدیده ای که وجودش از خودش نباشد، برای موجود شدن نیازمند به دلیری است.

بد وجود، فقط در صورتی برای موجود بودن به دلیری نیازمند نیست. کذات و حقیقتش مساوی با موجود بودن باشد و لهستی در راه نداشتند باشد.

- در قرآن، خداوند غنی و خواننده شده و انسان ها و سایر مخلوقات «فقیر» و نیازمندند. این نسبت هیچ گاه تغییر نمی کند. کبریا انسانا که ذاتی نظر علم و قدرت است

کند، باز هم نسبت به خدا فقیر است؛ زیرا خود را آنچه بدست آورده، از خدا سرچشمه می گیرد.

انسان ها هر قدر که به معنای حقیقی کامل تر شوند (علت)، فقر و نیاز مندی خود به خدا را بهتر در می کنند و بندگی و عبادتشان در پیشگاه خدا قوی تر و لیس تر

این کشور (مملکت) بر همین جهت بیاوردن ما همان را اولیای الهی پیش از دیگران بیاوردند که در جهان راز و نیاز می کنند.

- این که انسان در نسبت پدیده ای خالق و در عرای کبریا و خدا را بنیز، معرفتی برتر و عمیق است در درمخت مستلک بر نظری آید، اما تعریف امکان پذیر و

قابل دسترس است، به خصوص برای جوانان؛ زیرا برتر اصلی حرکت با سوی این هدف، پالی و هدفی قلب است که در اغلب جوانان و جوانان وجود دارد.

- از روی شناخت هر چیزی، احاطه و دسترس بر آن حاصل است.

- خدا حقیقی نامحدود دارد و چون نامحدود است، در طرف دین مانعی ندارد. در حقیقت خدا احاطه پیدا نمی کند، از این روی در لیاقت بالیم که چیست.

- بیا هم (ارم لهن) در در ذات و لهستی خداوند فکر نماند، در لغت ها خداوند فکر کنید.

۲۵ / م که آید و نشان بودن بر پای آسمان و زمین و معاد جسمانی بر خالق خود و وابستگی آن در بقای خود به خدا.

۲۳-۲۴ / با این که لزوم توجه به خدا و یاد او بدلیل خالقیت او و ناتوانی همه در برابر اراده ای الهی

۲۴-۲۵ / یونس - یاد خدا در لحظات خطر و درحوالست خالصانه از نجات از او در آن لحظات.

- برترین خلق و حقیقت خدا است و هر قدر قدرتی خلق بودن خود را از خدا می گیرد.

# در بیان توحیدی الهی

۱۶ / عدد بر توحید در خالقیت

۱۷ / توحید به یگانگی و بی مانندی خدا در هر دو عالم انبیا و توحید

۱۱ / توحید به

۱۰۹ / آن عمران به مالیت خدا و ند بر جهان از تالیف خالقیت او

۱۲۶ / الهی به فرمانروایی و ولایت خدا بر جهان از تالیف خالقیت او

۱۶۲۶۴ / واقعه توحید در ربوبیت

در بیان توحید به در خالقیت: خدا تنها مبدأ و خالق جهان است. در کار آفرینش شریک و کمکی ندارد. جهان از اصل عالم متقدمی پدید نیامده است. در خالقیت: این تصور است که دریا چند خدا وجود دارد و هر کدام خالق بخشی از جهان است یا با کمک دیگری هم این جهان را آفریده اند. اگر چند مبدأ و چند خالق برای جهان تصور کنیم، در واقع هر کدام از آن‌ها را محدود و ناقص فرض نموده ایم.

در ربوبیت: خدا «رب العالمین» است یعنی صاحب اختیاری است که تدبیر همه امور الهی بدست او است. او است که جهان را اداره می‌کند. توحید در ربوبیت: مطلقاً به توحید در خالقیت است.

بدان معنا نیست که موجودات به خصوص انسان قدرت تدبیر ندارند. هر قدر در ربوبیت: اگر کسی در دنیا (در غیر حق) ربوبیت الهی را برای خود یا سایر مخلوقات حسابی جداگانه باز کند و فکر کند غیر خدا می‌تواند مستقل از خدا امور را تدبیر کند، لاف و سرکشان کرده است.

اصول عقیده به توانایی پیامبر (ص) و اولیای دین در بر آوردن حاجات انسان وقتی موجب شکر است که این توانایی را از خود آن‌ها بدانیم، اما اگر این توانایی را از خدا و بدانند خدا را ندانیم، عین توحید است و از این جهت مانند اثر شکر بخشی دارد است که خداوند بر آن بخشیده است.

مصدقین اعتقاد دینی و باید و اساس تمام دین، توحید است. بدون اعتقاد به توحید هیچ اعتقاد دینی دیگری اعتبار ندارد.

اگر چند مبدأ و خالق برای جهان تصور کنیم، هر کدام از آن‌ها را بی‌نیاز نمی‌دانند.

۱۰/ آن عجزان به را بطریقی می توانیم در ربوبیت و توحید در عبادت در خود و بگویم فردی و اجتماعی: توحید عبادی یعنی انسانی با توحید در ربوبیت  
۱۱/ توحید به امر مردم به توحید در عبادت در خود و بگویم فردی و اجتماعی.

۱۲/ اخلی به لغوی از لغت بنام میزان، تحقق توحید در عبادت در خود و بگویم فردی و اجتماعی و لغی که در آن (ملازمه توحید عبادی)

۱۳/ اقصان به لغوی تعسک بدست آوردن محکم، به منظور داری از توحید در عبادت در خود فردی.

۱۴/ فاجحه به توحید در عبادت در ربوبیت

۱۵/ فاجحه به توحید در عبادت

۱۶/ این از سنای خست خدا به عنوان تنها خالق و آفریننده ی حقیقی و تنها سرچشمه ی قلبی ها و زیبایی ها (توحید در خالقیت) و کاشی به اینند او تنها مالک سرزمین است  
اداره کننده و تنها نایب ماه و شبستیان جهان است، در می یابیم که آنها وجود سالیته ی پرستش و عبادت، یعنی تنها متبرک انسان ها خداست.

توحید در عبادت به فقط خدای یگانه را پرستش کنیم و تسلیم فرماها او باشیم - کارها خود را فقط به قصد اطاعت از او برای کسب رضایت او انجام دهیم  
- اطاعت از رسول گرامی خدا و اطاعت جانشین های آن حضرت ملازمه ی توحید (در خود و بگویم فردی) است.

۱۷/ عبادت توحید کلی به فردی - اجتماعی

۱۸/ انسان موعود نمی گویند گشتن ها و تاملات درونی و تفکیرها و فعلیاتها خود را به گونه ای سبها دهد که در یک شما کلی مناسب و سلامت ربوبی  
خدای بگردد و بگویم توحید او باشد. او به میزانی در این جهت پیش می رود، امثال او غیر خود مثل میل جنبش، میل به قدرت و ثروت را تنظیم و کنترل می کند که این  
بهتر مانند حقیقت قلبی، عبادت خواهی، نوع دوستی و احسان و خیر نگرانی در رفتار او ظهور پیش تری می یابد.  
او دارای شخصیت یگانه و یگانه در جهت عبودیت و پرستش خدای یگانه است.

۱۹/ شرک در عبادت در خود فردی به انسان به جایی که بتبیت از خدا و کسب رضایت او از خودی نفس خود یا دلایل اطاعت کند و کار خائس برای رسیدن  
به خواسته های نفسانی و خدشها در دل باشد.

۲۰/ شرک به تحت سلطوی تاملات نفسانی خود و دلایل قرار دارد (علت) به فردی است چند شخصیتی با جهت گیری ها حقوق و سلامت و سوسوگرا کننده و در خود  
متعدد گانه ی توانون که هر کدام او را ربوبی می کنند و اگر نفس را سلب می کنند (معمول)

۲۱/ میان بعد فردی و اجتماعی توحید و تساب و تاملات و عبودیت

۲۲/ شرک در عبادت در بعد اجتماعی: اگر در دل از افراد جامعه، خواسته ها و تاملات دنیایی خود را دنبال کنند و فقط منافع خود را محور فعلیات  
اجتماعی قرار دهند و اهل ایثار و تعاون و خیر رساندن به دیگران نباشند، شرک اجتماعی تحقق می یابد. در این جامعه بسختی از اهمیت طاغوت و مفسدات او اسج.

۲۳/ کلمه **لا اله الا الله**، کلمه ی توحید و بهترین شعار اسلام و جامع کلمه ی ابعاد و اساس توحید و لغی که در آن (ملازمه توحید عبادی) است. توحید به آن و ظاهر در آن

بسیار از آن است و موجب فلاح و اعتلای می شود.  
پیشوایان ما توحید کرده اند که این کلمه را در طول روز تکرار کنیم تا حقیقت آن در وجود ما نفوذ یابد و با جهان ما عجین شود.  
بیا میرا گم (ص): «بهای بهشت لا اله الا الله است.»

هر خداوندی به درک بالاتر و ایضا قوی‌تری نسبت به این عبارت برسد، پس از آنکه در حضور خدا و سرپیچی از راه‌های خداوندی  
می‌گذرد (عقل است). بدین جهت این کلمه در حق انسان را از گناه حفظ می‌کند و به مراتب بالاتری از نیایها و افعال خالصی رساند (مخلوع)

بی‌شک (ص) اولین سخن رسول خدا (ص) در دعوت مردم به اسلام به اولی‌ترین معنای خیر خدا نیست تا آنکه رسیده است  
که در این کلمه در حق انسان را از شرک در عقیده و عمل حفظ می‌کند بدین جهت خداوند این کلمه را در درجه مستحکم خود تا فیه است.

- توحید و حضور و روح زندگی عینی و از آنکه حضور در روح زندگی خداوندی است.

توحید و شرک در جهان امروز

که هرگز مردم شدن انسان‌ها به امور دنیوی، عقلیت از خدا و خیریت  
که وارد کردن دین و دستورات آن در زمین زندگی خود و عبادت شرک و بت پرستی جدید.

رشدی شرک و بت پرستی جدید به برخی از انسان‌ها در عین قبول داشتن خداوند، دین و دستورات آن را در زمین زندگی خود وارد نمی‌کنند  
و تعالیات نفسانی و دنیای خود را اصل قرار می‌دهند.

همیشه یک نایب شرک و بت پرستی از نظر قرآن

اطاعت از ارباب‌های غیر خداوند - پذیرش سرپرستی غیر او - بندگی کسانی غیر او - خارج کردن دین خدا از برنامه زندگی

لکن در دنیا چه بسا نظام اجتماعی در جهت خداوند و اطاعت همه جا نبند از او نشیرو بعد فری توحید علی است.

- زندگی انسان عصر جدید باید بر پیش‌نهادی که نه و تدبیر و اداره همه بوسیله او که خفایا نوآورد

«درهتسیر اخلاص»

۱۶۶ / سبأ - اخلاص در بندگی

۱۶۷ / زفر -

۱۶۸ / یس - گرایش فطری انسان به بندگی خدا (صراط مستقیم) و نفی اطاعت از شیطان

۱۶۹ / یوسف - اولین شماره اخلاص - عدم نفوذ شیطان در انسان و یا لکن او از فرد با اخلاص

۱۶۶ / علقبوت - انجام عمل صالح از برنا مدها رسیدن به حقیقت بندگی و اخلاص

۱۸۰ / ملکه - تقویت روحیه یقین پذیری از برنا مدهای رسیدن به حقیقت بندگی و اخلاص

۱۸۴ / طرس - راز و نیاز با خداوند از برنا مدهای رسیدن به حقیقت بندگی و اخلاص

اخلاص: تمام حجت آیری که در زندگی انسان است و سعی خدا می پدید کند و سعی کارها فقط برای رضای او و تقرب به او انجام گیرد

اخلاص در بندگی معنای دیگری از توحید محلی است

به هر میزان در جنبی اخلاص انسان نزد خداوند بیش تر باشد و تقاضای نزدیکتر او در جهت او است

اجزاء عمل: نیت: هدف - قصد - روح عمل  
پایه مدارک (ص): نیت مؤمن برتر از عمل اولست

شرط عمل: هم باید نیت قلبی و درونی انسان الهی باشد (حسن فاعلی) و هم باید مطابق با تسلی که خداوند فرمان داده است انجام گیرد (حسن فعلی)  
- حسن فاعلی به طور طبیعی حسن فعلی را به دنبال می آورد

۱- نبرای رسیدن به حقیقت بندگی و اخلاص، این برنا مدها را می توان در پیش گرفت:

۱- تقویت روحیه یقین پذیری به اولین قدم برای ورود به بندگی و اخلاص

۲- افزایش معرفت به خدا با افزایش شناخت و معرفت نسبت به خدا و انگیزه های ما برای نرسیدن و بندگی نیز افزایش می یابد

۳- راز و نیاز با خدا و خداوند است از او به نتایج به محبت خدا و قلب تقویت می شود - عقبت را اندر می زند - انسان را از امدادها الهی بی بهره نهد و تسلی ساز

۳- یاد خدا و روز حساب به یلی از راه های بسیار مؤثرند

۴- انجام عمل صالح به قرآن غایب عمل صالح را بعد از ایمان معرفی می کند. نتایج انجام عمل صالح به پرورش انسان و خداوند تسلی ساز است - هدایت توسط خدا

اولین شماره اخلاص به عدم نفوذ شیطان در انسان و یا لکن او از فرد با اخلاص است

شیطان خود اقرار کرده که توانایی فریب مؤمنان با اخلاص ندارد

شماره دیگری اخلاص به احساس اطمینان در کارهای روانی و زندگی سالم و نجات از دغدغه ها و اضطراب است

انگیزه عالی اخلاص به تجلی انبیا الهی یا صفات که الهی خداوند در انسان

بالا ترین میوه اخلاص به دیدن محبوب حقیقی و تقرب به پیشگاه الهی است که بنا به تعبیر امیر مؤمنان، عزت است از روی عارفان و دوست دل ها خداوند

ولی مؤمنان و محبوب عارفان است

به بیان قرآن، همت زدی و نسیانی هو سیران در قیامت معلول نشینان و عدم تعقل است

۱۳ انسان به وجود اختیار در انسان

۱۴/۱ انعام به وجود اختیار در انسان

۴۱ / فاطر به اعتقاد به حفاظت و الهی جان از تسبیح اعتقاد به خداوند حکیم و نظام حکیمانه او

۴۹ / قدر به آفرینش (قضای) موجودات بر اساس تقدیر و خصوصیات و ویژگی همت

۶۸ / اغای فر به اراده کائناتی و الهی خداوند به وجود بخشیدن به پدیده جهان و ایجاد جهان به حکم و اراده می خداوند

۱۲ / اجابت به راهبری میان قدرت اختیار انسان و قانون الهی که نظام جهان (محدوده‌ی اختیار انسان)

۴۰ / این به عدم خروج موجودات از قانون الهی خود

- توانایی انتخاب و تمیز ناپسند از اختیار است

- شواهد وجود اختیار به فکر و تقسیم احساس رضایت یا ناپسندیدن - مسئولیت پذیری عمدتها و پندها

انسانی که اختیار خود را باور کند و بر آن معتقد است به احساس هویت می کند - از خود باوری بالایی برخوردار است - در قبال کارها خود احساس مسئولیت می کند - تصمیم‌های اشتباه خود را می پذیرد و در صدد جبران بر می آید

عوامل شگوفایی اختیار:

- اعتقاد به خداوند حکیم: بهترین طایفه رسیدن به این معرفت

- قانونی مند بودن جهان (قضا و قدر الهی): با شناخت و استفاده از قوانین جهان نیازها خود را برطرف کنیم، استواران خود را به فعلیت می رسانیم و پدیده‌های گوناگون را می بینیم

- موجودات جهان به از آن جهت از خداوند متعال به عطا شده اند که هر یک به موقعیت ملائمت و رفاهی آن‌ها را تعیین می کند به مقدر به تقدیر الهی اند

- موجودات به به که با حکم و فرمان و اراده کمالی ایجاد می شوند، هر یک به (مقتضی به) قضای الهی اند

- بدون پذیرش قضا و قدر الهی هیچ تقصیری برقرار نمی شود و هیچ زحمتی بی بری کار اختیار پذیرد نمی آید

- اعتقاد به قضا و قدر به زنده‌ها مانع تحرک معنای انسان نیست، بلکه عامل و زمینه ساز آن است

- وجود اختیار و اراده در انسان به علت اراده‌ی الهی خواست اولست

- اراده‌ی انسان در طول اراده‌ی خداست و با آن منافات ندارد

- دایره محدودی اختیار انسان از دو جهت بر او می شود

۱- قانون الهی حکم بر جهان

۲- میزان علم و دانش فرد

ما در دنیا به چه چیزهایی که به هستی خلق انتخاب داریم - که مخلوقات فقط در صورتی راح و منتظر انسان می شوند که آن‌ها ویژگی‌ها

و قانون الهی‌های آن را بشناسند

- نظم نفس علتها در برابرش موجودات، به هم می‌زنند و هر یک از هم درین تقدیر الهی و نظام عالم بر چه حلقه است



در پایه گشت

۱۱۰ / نساء - ظلم بر خود با انجام نناه و یافتن حجت و مغفرت الهی پس از طلب آمرزش  
۳۹ / مائده - بازگشت (توبه) بندگان بخداوند و مراحل رسیدن به آمرزش پس از ظلم بر خود  
۷۰ / فرقان - تبدیل ناهان بدینی ها، در لکه و انجام توبه، ایمان و عمل صالح

- انقلاب علیه خود دانی (نفس اماره) که برفع خود عالی (نفس لواقرا) - انقلاب علیه خود  
- خدای ما بیرون قلبی میان خود و خدا احساس می کنیم و نشکری می بینیم و او بر نردن ما لبتد است (بی یا بیا)

- خدای شون گرد زدی ما ست و در ناه او ام بر نردن معقد و ما کوی ما  
- گاهی معرفت شلخی بر تدریج افرشیم می یابد و داعدی ناه آن چنان گسترده می شود که چراغ عقل و فطرت بچاهوش می لرایه در این صورت  
حجت الهی زندگی عظمی می شود و او بی گشت به جزاء نبسی که شیطان و وسوسه اش می کند قدم بر می دارد

- توبه نناه و عادت بر آن، از نر ناه ها خطرناک سقوط در وادی ضلالت است  
- تلف توبین و دریغ کردن اثر نناه های نر در عقلت از نکه خلدون بر انسان ها، در فطام انقلاب نناه

امام صادق (ع): «چنان از خود خوف داشته باش که از او ای بینی، پس اگر تو را ای بینی، او تو را ای نبیند و اگر روزی ای  
و اگر توبین کرد تو را ای نبیند و در عین حال در مقابل او نناه می کنی، او را خود توبین نبیندگان بر خود قرار داده ای»

- توانایی انقلاب علیه خود که حاصل لبتدانی از گزشت است، بر اساس امکان می دهد راه رفتن را باز کرد و فرصت ها از دست داده را جبر نماید  
- آوب یعنی بازگشت و در مورد بندگان یعنی بازگشتن از نناه به سوی فرمانبرداری از خداست و در مورد خدایا به معنی بازگشت کف و آمرزش الهی بر انسان توبه گار است  
- توبه نناهان را از قلب خارج می کند و بر آن راست و شوی دهد، پیرایش یا تخمید

- توبه ننه نناه را با ای کند و بلند به بلند ایمان و عمل صالح و ناهان را بر چسباند تبدیل می سازد  
- توبه صرفا یک کار ظاهری و لفظی نیست، بلکه تحولی درونی و قلبی است که آن نناه را محو می کند. این تحول بنا بر ظلم حضرت علی (ع) دارای ۴ مرحله است:  
۱- لبتدانی از گزشت: تا وقتی که شریک نناه در جهان آدمی باقی است و از خاطر می آید، احساس گدازت می کند و توبه آغاز نشده است.  
۲- لبتدانی با استغفار همراه است.

۳- تعمیم توبه بر تمام بندگان نناه: اظهار بر زهدت ظاهری و لفتن باوری استغفار، در حال کنار آمدن نناه، نه تنها پذیرفتن نیت، بلکه استغفار برای خالصت می کند  
امام رضا (ع): «اگر کسی که از نناه استغفار کند و در عین حال انجامش دهد مانند کسی است که پروردگارش را مسخره کرده است»

۴- جبران حقوق مردم (حق الناس) ۴- جبران حقوق الهی: مهم ترین حق خدا بر انسان ها، حق اطاعت و بندگی اوست.  
- در مرحله اول عادت بر نناه را از بین می برند

۵- راه اصلاح جامعه از انحراف از مسیر توحید به انجام وظیفی امر به معروف و نهی از منکر است (نظارت کهلانی)  
- اگر به تدریج انحراف از حق را نرسد بدانند، اصلاح جامعه مشکل می شود و تلاش های نر در وقت گیت های اینار لرتو می کلبد

- حضرت علی (ع): «از کسانی مباش که بدون عمل، دل بپذیرد و بسوی آرزوی طولانی، توبه را بر ناه نر خفته است، در باره دنیا راه انداختن گویند و دنیا دوستی نخل  
- خویش لردانی در دوره جوانی براهید توبه کردن در دوران پیری، حیلیمی خفرت که شیطان است»

- پیری محصول گشت جوانیت  
- فریب نر در شیطان نیست که لذت نناه را بر نر از خویش و لذت اطاعت از فرمان الهی حبله می دهد



۶۲ / آنچه به اعتقاد و ایمان برخیزد (توحید)، مبارزه با شرک و انبیا به معنای دو معیار از معیارهای تمدن اسلامی.

۸۴ / نشانه کعبیت از فرمان های خدا، رسول و صاحبان امر (قبول ولایت الهی) از معیارهای تمدن اسلامی.

۹۱ / توحید به تنظیم روابط اجتماعی و تدوین قوانین بر پایه عدل و مبارزه با واقعیتها مانند از معیارهای تمدن اسلامی.

۹۴ / ضرورت توجه به تعقل و فکر و بررسی و منزلت دادن به عالمان و صاحبان خرد از معیارهای تمدن اسلامی.

۹۹ / فتح به دوستی با حق و دشمنی و شدت حمل با باطل از معیارهای تمدن اسلامی.

۱۳۳۳ / اعتراف به دیدگاه متفکران اسلام نسبت به نجات دنیوی و اخروی و توجه به اهمیت عدل و کوشش برای آبادانی زندگی دنیوی.

۱۴۱ / رسمه احیای منزلت زن و جایگاه بالایی خانوار به عنوان کانون رشد انسان ها با فضیلت و محل سلوک، عودت رحمت

- لغو از عصر جاهلیت به عصر اسلام نیازمند تغییر در فلسفه انسان ها و تحولی بنیادین در فلسفه زندگی فردی و اجتماعی مردم بود.

- پایه های تمدن اسلامی که پایه های آن را بنا نهاد:

۱- اعتقاد و ایمان به خدا و مبارزه با شرک و ایمان به معاد و تلاش برای رسیدن به سعادت اخروی:

- پایه های اخلاقی در کنار دعوت به توحید، افق نگاه انسان ها را از محدودی تک دنیا فزونی داد، منتهی را با استدلال ها محکم و انظار با حقیقت متعارف آشنا ساخت و با عقاید خرافی پیرامون آن به مبارزه برخاست.

۲- قبول ولایت الهی و لغو ولایت طاغوت.

۳- تحکیم بنیان خانوار و احیای معارف منزلت زن به عنوان محور خانوار .. رسول خدا (ص) با نصرت و رفیق خویش انطالی عظیم بیدار آورد.

۵- دوستی با حق و دشمنی با باطل: ایجاد فلسفه جدید در جهان (علت) بود که موجب تحول در روابط بین ملت ها (مملکت) گردید.

رسول خدا (ص) از مسلمانان می خواهد که با همگویی خود در برابر جهان بیوند برادری برقرار کنند و مانند اعضای یک خانوار از یکدیگر دفاع کنند، با ظالمان و مفسدان مبارزه کنند و بارگشته در گمان و مستحقان نباشند.

۶- اعتدال برای در آنچه بر بهر ابداع و تقوی و صبر و ری از نجات های دنیوی و اخروی: جامعه ای اسلامی نه تنها با اخلاق ترین و صفتی ترین

جامعه، بلکه باید آبا و اجداد نیز باشد.

۷- مبارزه با فضا که حمل و خرافات و دعوت بر تعقل و فکر و خردورزی:

- نزول تدریجی آیات قرآن و دعوت همدران کتاب به خردورزی و دانش از لای طرف و کسوف ها (رسول خدا (ص) از طرف دیگر

اعلت) و خردگرایی را تسلط و لای از جاهل ترین حلقه آن روز را متساق علم ساختن (مملکت).

۸- حاصلت عدالت در روابط میان انسان ها (به خصوص در روابط اقتصادی و سیاسی) او مرد ظلم و بی عدالتی از جامعه:

- رسول (ص) از طرف صحتی برای رفع تکلیف های طبقاتی حاکم بر نظام جاهلی و برقراری فزونی برابر مساوات در جامعه که حال استغاره را می نمود.

از هیچ کس در این راه فروگذار نمی کرد.

- لای از جنبه های عدالت خدایی رسول (ص) مبارزه با تکلیف نگرایی و اعتبار نگرایی بود. انسان همگی امتیازات استغرافی را برخوردارند.

قوی را بر قوی دیگر برتر ندانست.

## در پرتو احادی پیرای فردا

- ۱۴۳۰ / تقوّه - مقام اللّوی پذیرندگان دعوت اللّوی پیامبر (ص) و جوامع اسلامی (مردمیت و مسئولیت ویژه ی مسلمانان در جهان)
- ۱۵۴ / مائده - شکر طایر و نوری و کسر القندی، پذیرش ولایت خدا و رسول او و جانشینان ایشان.
- ۱۵۸ / انفکاک - تقویت ایمان و اراده برای تقویت توانایی های فردی.
- ۱۶۱ / اخلاص - تأکید بر تقوی های عقلانی و فردی و عزاداری دین برای حضور مؤثر در جوامع اسلامی جهان

- ما به عنوان ایرانی مسلمان، دو تجربه ی بسیار موفق و زیباست سرانجام از تقی که بر چندین نظام استعماری، افزایش انقلاب اسلامی و دیگری پرورزی در نظامی

- ۱- انعقاد مردم جهان را درباره تأثیر این تجربه در پرورزی های عبادی و اثرات مثبت حکومت عینی بر دین مبین اسلام افزایش داد.
- ۲- آنان را نسبت به نظام استعماری جهانی آگاه تر کرد و برای رسیدن به حقوق و عدالت دستاویز و تشنگی تر ساخت.
- ۳- رسیدن به این ارزش ها را خواست محلی بسیاری از ملت ها قرار داد.

- حجم تحمل رنج ها و درنگ ها و فداکاری ها و جان نثاری ها و مجربیت که مناسبت حجم نیروی مقهور و ارزشمند و علو رتبی آن است.
- با توجه به اهمیت این اقدام نیز در (تلاش برای جوامع و تمدن جهانی اسلام) برین مراحلی پیشنهادی:
- + تقویت توانایی های فردی؛ تلاش برای کسب آگاهی و دین از تمدن اسلامی و تمدن جدید - تقویت ایمان و اراده.
- + تکلم بنیان خانواده.

- + تقویت بنیان های جامعه؛ همواره کردن دیدگان با خود - تلاش برای پیوستن نسل در علم و فناوری - استفاده بهینه از نظام اسلامی - تقویت عزت نفس
- له نتیجه، تقویت پایه های استقلال و عدالت - مانع تسلط بیگانگان
- مهم ترین عامل برای حضور و راه در میان افکار عمومی جهان - استفاده مجرب از نظام اسلامی - مهمترین عوامل:
- استفاده از پایه های اقتصادی و تلاش برای کاهش فقر - توسعه عدالت در تمدن ایجاد - تقویت اتحاد ملی و انسجام اسلامی و مسئولیت عمومی - عمل به امر به معروف و نهی از منکر
- ایمان و باور به اینکه ما همی توانیم، رنده کنشی تمدن اسلامی و نیز رکن دین نیز در هم راه برای پیوند راه و گذار از روزگار کسوف آن است.

+ حضور مؤثر و فعال در جوامع جهانی؛ پیام اسلام، بیانی برای قدرت انسان ها است.

له تأکید بر حقوقی عقلانی و خردمندانه دین؛ کارآمدی به کارگیری روش های تبلیغی، تقویت عقل و خرد و تأمل خردمندانه در اسلام است.

استفاده از بهترین و کارآمدترین ابزارها برای رساندن پیام

باور به باور به استعدادهای و تقویت فرهنگ و جهاد و شهادت و صبر

## زندگی در دنیای امروز

۱۹. آتوبه معاصی، اساس و باری زندگی هفتاد و نه کاران و کفایت و تقوی در صورت بی توجهی به احکام خداوند.

- در وقت مربوط به احکام زندگی در دنیا امروزه توجه به وجود علت در احکام و دستورها - توجه به بنای زندگی بر باری علم خداوند -  
- برخی احکام زندگی در دنیا امروزه:

- ورزش و بازی اگر به قصد آماردی پس برای انجام وظایف الهی باشد مستحب - پاداش اخروی.

- شرط نبی از امور زمانه و روحی و اجتماعی است و انجام آن حتی در بازی و ورزش های جمعی، حرام است.

- قمار حرام است و بازی با وسایل و ابزارهایی که در جامعه به عنوان ابزار قمار شناخته می شوند، اگر چه به قصد قمار نباشد، حرام است. شرکت در مجالس قمار

- دادن جایزه توسط سازمان ها، نهادها و افراد به ورزشکاران حرام است.

- اگر ورزش برای دور کردن افراد جامعه از فساد و بی بندوباری های دنیای کفری ضرورت یابد، فزاینده است. اما آن واجب کفایی است.

- بازی با ابزار قمار از طریق رایانه، مانند بازی با کمانه نیز حرام است و حرام می باشد.

- تولید فیلم های نفسی و تلویزیونی، مستند علمی، تاریخی، اجتماعی که به استناد اخلاق فرقه های اسلامی و تربیت دینی باشد، مستحب است و در ارتباط ضروری واجب کفایی است.

- تولید سایت ها، نشریات اینترنتی به منظور آسایش فرهنگ و معارف اسلامی و تقویت لایه اندیشه ها، فکری و اندیشه ای اخلاقی، مستحب است.

- تولید انواع آوازی به منظور گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و مبارزه با تهاجم فرهنگی و تبذیر اخلاقی، از مصادیق مهم عمل صالح و از واجبات کفایی و دارای پاداش اخروی است.

- موسیقی الهی و مطرب که مناسب با مجالس عین و نوش باشد، حرام محسوب می شود.

- خرید و پوشیدن لباس های که توسط دولت ها استجاری تولید شده اند، با وجود شرایط زیر حرام است:

- اگر مستلزم ترویج فرهنگ غیر اسلامی باشند.

- باعث تقویت اقتصاد آنان برای استعمار و استثمار سرزمین ها اسلامی شود.

- مخبرانه وارد شدن ضرر اقتصادی به دولت اسلامی گردد.

- به طور کلی، تولید از مدلهای که تولید کنندگان به دشمنان اسلام و ترویج فرهنگ آنان را به دنبال دارد، حرام است.